



ماجرای عاشورا هم درس است؛ درسی اقدام و نه‌راسیدن از خطرات و وارد شدن در میدان‌های بزرگ. آن تجربه با آن خصوصیات و با آن دشواری، از عهده حسین بن علی(علیه‌السلام) برمی‌آمد؛ از عهده دیگری برنمی‌آمد و برنمی‌آید؛ لیکن در دامنه آن قله بلند و رفیع، کارهای زیاد و نقش‌های گوناگونی هست که من و شما

عاشورا درس نه‌راسیدن از خطرات است

می‌توانیم انجام بدهیم. ملت ما را در طول سال‌های متمادی به یک ملت وابسته تبدیل کرده بودند؛ ملت ما را با تبلیغات پیوسته، از فرهنگ خود، از اعتماد به خود تهی کرده بودند؛

ملت ما را به خودبی‌اعتماد و ناامید کرده بودند.

ملتی بااین سابقه تاریخی، در این موقعیت حساس جغرافیایی، با این همه استعداد انسانی و طبیعی نهفته در این سرزمین،

بررسی شیوه مواجهه با دشمنان در ۴ دسته جاهل، دنیاطلب، معاند و مستکبر

عاشورا و مدل رفتاری اباعبدالله با دشمنان



تحلیل

مجتبی عباسی*

عاشورا حادثه‌ای نبود که در یک نیم روز اتفاق بیفتد؛ بلکه نهضت حسینی(ع) واقعه‌ای است که پیامدها و آثار آن تا امروز در تاریخ، فرهنگ، فکر و عمل مسلمانان گسترده شده و تا قیامت نیز امتداد یافته و بی‌شک تا انتهای ا زمان مسیر سرخ حسینی خروشان‌تر و پربارتر حاضر خواهد بود.

قیام اصلاحی امام حسین(ع) ریشه در نهضت‌های اصلاحی پیامبران داشت؛ زیرا ایشان وارث پیامبران بود و در این راه، جان خویش را تقدیم کرد تا مفاسد برچیده شود؛ بنابراین حرکت عاشورا در شرایط محدود و کنترل‌های دقیق دشمن، برنامهریزی دقیقی را برای مبارزه با ظلم و فساد انجام داد.

قیام عاشورا شورش‌ی کور و بی‌هدف نبود؛ بلکه نهضتی حساب شده و با برنامه بود که اباعبدالله‌الحسین(ع) با پیش‌بینی همه احتمالات و صورت‌های واقعه، با هدف اصلاح امت اسلام، چاره‌اندیشی دقیقی انجام دادند که در طول تاریخ، الگوی مبارزه و شاخصی برای مقاومت انسان‌های مستدیده در برابر قدرتهای مستکبر و باطل به شمار می‌آید.

از این‌رو هیچ مستکبر، طاغوت و متجاوز ی نمی‌خواهد در میان ملت‌ها به‌ویژه نسل جوان، نام و یاد واقعه‌هایی همچون عاشورا جوشان و خروشان باشد که در اثر آن بیداری، بیزاری از دشمن، معرفت دینی، عشق به ولایت، شجاعت، فداکاری و هزاران شعله دیگر ساطع شود. نهضت حسینی(ع) محل خیزش انگیزه‌ها، حساسیت‌ها، حضورها، مجاهدت‌ها، ایثار گری‌ها، پاکدامنی‌ها، زهد، اخلاص و استقلال است که اگر ماهیت سیاسی و مبارزاتی این قیام برای جهانپنا به درستی ترسیم شود، در میان ملت‌های آزاده و ملت‌های در بند و آزادی‌خواه، هواداران و شاگردان بسیاری خواهد یافت.

یکی از «عبرت‌های عاشورا» و مورد تأکید رهبر معظم انقلاب، نگاه به وضعیت خواص و تأثیر آنها در سرنوشت جامعه اسلامی است؛ چنان که برخی از آنها با سکوت و عده‌ای با همراهی باطل، اهل بیت پیامبر اکرم(ص) را به مسلخ کربلا کشانند؛ اما در کل، عاشورا یک انتخاب مکرر در زندگی همه انسان‌ها به‌ویژه خواص جامعه است؛ زیرا عملکرد آنها در مواجهه با دو مسیر خیر و شر بیشتر از دیگران، سرنوشت جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

بدین جهت بررسی نوع برخورد سیدالشهدا(ع) با خواص از دشمنانشان در واقعه عاشورا می‌تواند نقشه‌راه و معیاری برای مواجهه با طاغوت‌های زمان و دشمنان جریان حق و جبهه مقاومت در عصر حاضر باشد.

د

در هیچ صحنه‌ای از قیام عاشورا، نشانی از ضعف، عجز و التماس جریان حق نسبت به تحریم‌ها و توهین‌های این دشمن عنود مشاهده نمی‌شود. عبدالله بن عمار در همین زمینه می‌گوید: «من هرگز کسی را ندیدم که همچون حسین(ع)، فرزندان و اهل بیت و یارانش شهید شده باشند، اما با هیبت و شجاعتی بی‌نظیر بر سپاه دشمن که بالغ بر ۳۰ هزار نفر بودند، حمله‌کند»

با مراجعه به تاریخ و تحقیق در مقاتل معتبر می‌توان در جریان کربلا به چهار دسته مخالفین جاهل، مخالفین دنیاطلب، مخالفین معاند و عاملان استکبار اشاره کرد که هر کدام به لحاظ شخصیت‌شناسی و هدف از دشمنی با دیگری متفاوت است و شیوه مواجهه سیدالشهدا(ع) با این خواص و افراد سرشناس جامعه نیز تفاوت دارد.

در یادداشت پیش رو نگارنده کوشیده است تا با مقایسه چهار مدل از دشمنانی که مستقیم یا غیرمستقیم به نبرد با اباعبدالله پرداختند، شیوه مواجهه با ایشان را ارزیابی نماید و در نهایت مدلی از شیوه برخورد ایشان با دشمنان ارائه نماید.

■

مخالف جاهل

خربن یزید ریاحی از فرماندهان نظامی کوفه است که پیش از واقعه عاشورا آمورتب یافت با سپاه هزار نفری، مانع حرکت امام حسین(ع) به سوی کوفه و همچنین

مانع بازگشت ایشان به مدینه شد.

خر مصداق دشمن جاهل است که در خدمت جریان مسلط و باطل قرار گرفته و اسام را به مسلخ کربلا می‌کشاند، اما در عین حال نسبت به خاندان رسالت احترام و ادب می‌ورزد و از سخت‌گیری و جنگ با ایشان امتناع دارد.

سالار شهیدان(ع) در مسیر حرکت به سمت کربلا با خطبه‌ها و موعظه‌ها به روشنگری و ترسیم اهداف قیام می‌پردازد، چنان که در منزل «لپیقه» خطاب به خر و یارانش می‌فرماید: ای مردم! رسول خدا(ص) فرمودند: «هر کسی سلطان ستم‌پیشه‌ای را ببیند که مجزومات الهی را حلال و پیمان خداوندی را شکسته و با سنت رسول خدا(ص) مخالفت کرده و بر بندگان خدا ستم روا داشته‌است و این فرد با رفتار و گفتارش علیه‌او بخریزد، بر خداوند است که او را در عذاب داخل کند.» (مقتل

الحسین، مفرم، ص ۱۸۴).

خر از نزدیک با واقعیت‌ها و اهداف متعالی قیام عاشورا آشنا می‌شود و تحت تأثیر سخنان و رفتار کریمانه سیدالشهدا(ع) مجذوب جریان حق شده و با تیری جستن از جبهه باطل با کاروان حسینی(ع) همراهی می‌کند. توبه و گرویدن خر به جریان حق، تجربه و درس عملی به امت اسلام است که در مقابل دشمن جاهل، روشنگری و در عین حال رأفت داشته باشند،

همان گونه که در اسلام از این شیوه مواجهه به اصل مدارا و رحمت یا «مؤلفه قلوبهم» یاد می‌شود، چنان که «نامه‌های رهبر معظم انقلاب به جوانان کشورهای عربی» در همین راستا تعریف می‌شود و راهبردی دقیق در برابر پروژه‌های اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی رسانه‌های استکباری و صهیونیستی است. ایشان با درک عمیق خود نسبت به چهل فرزند در میان جوانان عربی که ناشی از بمباران تبلیغات کور کننده غربی است در اقدامی روشنگرانه رأفت و رحمت اسلامی را با حقایق دین مبین پیوند زدند و چونان پدری دلسوز و مهربان با تمام مهر و عطوفت خود مسیر را برای بیداری این گروه از مردمان فراهم آوردند.

درسهایی که می‌توان از جریان حر گرفت، همزیستی مسالمت‌آمیز با ادیان و مذاهب مختلف به‌ویژه وحدت شیعه و سنی و پرهیز از تفرقه‌افکنسی و اختلاف، نشان‌دادن جاذبه‌های معنوی مکتب حسینی(ع) در گفتار و رفتار و تبلیغ شاعر و ارزش‌های انسانی و متعالی است که سالار شهیدان برای آن قیام کردند، همچنین پرهیز از اعمالی است که وهن مذهب تشیع محسوب می‌شود و باعث سیاهنمایی، سوءاستفاده دشمنان معاند، تخریب چهره مکتب و فراموشی آرمان‌های اصلی عاشورا است. در ارتباط با جوامع اهل تسنن و دیگر کشورهای مسلمان نیز جمهوری اسلامی باید همین رفتار را در سمرشق خود قرار دهد چراکه این تبلیغات وسیع و گمراه‌کننده غربی است که با ایجاد درک نادرست از واقعیات جهان و ایران کشورهای مسلمان دیگر را در برابر ایران قرار می‌دهد و از همین روی ارتباط زمینه‌های رفر جهل و نمایان شدن افتاب حقیقت را فراهم سازد.

■

مخالف دنیاطلب

عمر سعید فرزند سعدابی وقاص است، پدرش سعد از نزدیک با واقعیت‌ها و اهداف متعالی است که با دنیاگرایی، عافیت‌طلبی و بی‌مالتی نسبت به بیت‌العمل در دوران حساس پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) نواخته‌ند در مسیر حق باقی‌مانند؛ از این‌رو با وجود یقین به حقانیت امیرمؤمنان علی(ع)، آگاهانه از ولایت و امامت دست کشیده و همچون خواص بی‌بصیرت سبب تکیه زدن دودمان بنی‌امیه بر مسند امور مسلمانان گردیدند.

قیام اصلاحی امام حسین(ع) در جهت بازگشت به اصول و ارزش‌های حکومت اسلامی پیامبر اکرم(ص) است که با نهاده‌بنه‌شدن زندگی توأم با رفاه، اسراف و تبذیر خواص در دوران معاویه دگرگون شده‌است، روحیه رفاه‌طلبی و دنیاگرایی که برخی از خواص جامعه به آن عادت کرده و حتی در مقابل امیرمؤمنان علی(ع) نیز موضع‌گیری کرده بودند؛ خواص دنیاطلب و متظاهری همچون ابن سعد که در از مومن سخت‌گیرنش حکومت ری و کشتن فرزند پیامبر(ص)، دنیا را بر گزیده و روسیاه تاریخ شدند.

اندیشه



تبدیل شده بود به وسیله‌ای برای استفاده و بهره‌برداری قدرت‌های بیگانه؛ مدتی انگلیس، بعد هم امریکه؛ اما این انقلاب ما را بیدار کرد؛ ما را به خود آورد؛ این همان حرکت عاشورایی بود.

رهبر معظم انقلاب
۱۳۸۴/۱۱/۱۸

امروز نیز نظام اسلامی با خواص رفاه‌طلب و رفاه‌زده‌های مواجه است که با عدم تعیین مرز و موضع خود در قبال ارزش‌های انقلاب اسلامی با تسامح، تساهل و عدم شفافیت در موضع‌گیری‌ها به مطامع دنیوی روی آورده و در نتیجه بداندیشان فرصت‌طلب و مفسده‌جو در این فضای اغبار آلود از بیان، قلم و تصمیمات آنها در راه اهداف شوم و ضربه زدن به اسلام و ارزش‌های دینی سوءاستفاده می‌کنند.

نظام اسلامی در برابر این دشمن دنیاطلب می‌تواند زمینه‌های جذب آن از طریق مادی را فراهم آورد و در کنار آن به تغییر نوع نگاه دنیایی این گروه اقدام کند. در واقع دین اسلام به دلیل اینکه هر گز مایل به جنگ و خونریزی نیست اموری مانند تألیف قلوب نسبت به ایلام از طریق کمک‌های مالی را وضع نموده است تا این دسته از مخالفان را به سوی خود بکشاند و در ادامه از طریق همزیستی و ارتباط دوستانه بر نوع نگاه و جهان‌بینی این گروه تأثیر بگذارد. همین رفتار پیامبر گرامی اسلام باعث شد تا بسیاری از قبایل و افراد بدون خونریزی و اجبار به سوی او گرایش پیدا کنند و در ادامه با درک عمیق از حقایق خلقت دین و روش او را کامل بپذیرند.

■

دشمن معاند

شمر بن ذی‌الجوشن از فرماندهان خشن و جنتیکار سپاه کوفه در واقعه کربلا و از قاتلان سیدالشهدا(ع) است. شمر از خواص کوفه است

که به تبع بیعت اکثریت مردم حجاز و عراق با

امیرمؤمنان علی(ع) بیعت کرد.

بسیاری از مردمان این نواحی، اعتقادی به امامت امیرمؤمنان علی(ع) به عنوان جانشین بلافضل پیامبراکرم(ص) و امام مفترض الطامه و منصوب الهی نداشتند که بیعت شمر و بسیاری از اشراف عرب نیز بر همین اساس بود و اطاعت آنان از امام علی(ع) از سنخ اطاعت از خلفای پیشین بود، چنانکه در جنگ صفین و در رکاب حضرت نیز حاضر شد. شمر دارای روحیه نفاق، خبث طابطنی، ریاکاری، فرصت‌طلبی و شقاوت‌پیشه است و با حسادت، شکم‌بارگی، زبان تند و گزنده‌ای که دارد، اهل طعنه زدن، استهزا و تحقیر دیگران است که هر کدام از این خصوصیات به تنهایی می‌تواند در شقاوت وی دخیل باشد و در فاجعه کربلا نمونه‌هایی از این صفاتش را به منصف ظهور گذاشته است.

وی پیش از جنایات کربلا در چهار واقعه مهم تاریخی دیگر حضور داشت و در تمام آن جریان‌ها و رویدادها، شیعیان خیانت کرده و مرتکب جنایت شده است؛ فردی که به تعبیر ابن حجر

د

یکی از «عبرت‌های عاشورا» و مورد تأکید رهبر معظم انقلاب، نگاه به وضعیت خواص و تأثیر آنها در سرنوشت جامعه اسلامی است؛ چنان که برخی از آنها با سکوت و عده‌ای با همراهی باطل، اهل بیت پیامبر اکرم(ص) را به مسلخ کربلا کشانند؛ اما در کل، عاشورا یک انتخاب مکرر در زندگی همه انسان‌ها به‌ویژه خواص جامعه است؛ زیرا عملکرد آنها در مواجهه با دو مسیر خیر و شر بیشتر از دیگران، سرنوشت جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد

د

شده است. عمر سعید نیز مصداق دشمن آگاه در مقابل جریان حق است که برای رسیدن به حکومت ری و ثروت و جایگاه

دنیایی، فرماندهی سپاه عبدالله بن یزاد را بر عهده گرفته و در عین اطلاع از جایگاه امام حسین(ع) حاضر نشد امام را یاری کند همچنان که پدرش امیرالمومنین علی(ع) را در طوفان‌های پس از رحلت پیامبر اسلام تنها گذاشت؛ عمر بن سعد اما حتی با اقرار گذاشت و برای رسیدن به منافع دنیایی، صاف با اهل بیت پیامبر(ص) را انتخاب کرد.

برخلاف برداشت‌های سطحی و عوام‌فریبانه از نهضت کربلا، امام حسین(ع) پیش از قیام به صراحت، بنی‌امیه را عامل نابسامانی انقلاب پیامبر و به ثمر نرسیدن اهداف عالیه حکومت اسلام، معرفی می‌کند و اسلام بنی‌امیه را اسلام قلابی و غیرواقعی می‌خواند.

بنابراین مواجهه سیدالشهدا(ع) با عمر سعید در کربلا، برخورد با دشمن عالم ولی منفعت‌طلب است که حضرت او را امر به معروف، نهی از منکر و نصیحت به خداترسی کرده و فرمودند: «ای پسر سعد! آیا با من مقاتله می‌کنی و از خدایی که بازگشت تو به سوی او است، هراسی نداری؟ من فرزند کسی هستم که تو بهتر می‌شناسی؛ آیا این گروه را ره‌انمی‌کنی تا با ما باشی و این موجب تقرب تو به خداوند می‌شود؟»

عمر سعید گفت: «اگر از این گروه جدا شوم، می‌ترسم که خانهام را خراب کنند!» حضرت فرمود: «من خانها را می‌سازم.» عمر گفت: «من بیمانم‌ک که املاکم را از من بگیرند!» حضرت فرمود: «من از اموالی که در حجاز دارم، بهتر از آن به تو خواهم داد.» و به نقل دیگری حضرت فرمود که من «ببینچه» را به تو خواهم داد و آن مزرعه بسیار بزرگی بود که نخل‌های زیاد و زراعت کثیری داشت و معاویه حاضر شد آن را به یک میلیون دینار خریداری کند امامان آن را به او فروخت عمر سعید گفت: «من در کوفه بر جان افراد خانواده‌ام از خشم این‌ی زیاد بیمانم‌ک و می‌ترسم که آنها را از دم شمشیر بگذرانند!» امام هنگامی که مشاهده کرد عمر بن سعد از تصمیم خود بازمی‌گردد، از جای برخاست و فرمود: «تو را چه می‌شود! خداوند جان تو را به زودی در سترت بگیرد و تو را در روز قیامت نیامزد؛ به خدا سوگند من می‌دانم از گندم عراق جز به مقدار اندک نخواهی خورد؛ عمر سعید جسارت کرده و با استهزا می‌گوید: «جو ما را بس است.» (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۸/اعیان‌الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۵/البدایه‌و‌النهایه، ج ۸، ص ۱۷۵/خوارزمی، ج ۱، ص ۲۴۵)

سیدالشهدا(ع) در جایگاه امام و رهبر امت اسلامی و جداکننده حق از باطل با این ملاقات، تمام بهانه‌ها و توجیحات عمر سعید را نقش بر آب کرد، تا مهم‌ترین عامل انحراف در دین یعنی ترجیح منافع مادی بر معنوی و ریاکاری خواص دنیاطلب را برای همیشه برهمگان آشکار کنند.

قیام اصلاحی امام حسین(ع) در جهت بازگشت به اصول و ارزش‌های حکومت اسلامی پیامبر اکرم(ص) است که با نهاده‌بنه‌شدن زندگی توأم با رفاه، اسراف و تبذیر خواص در دوران معاویه دگرگون شده‌است، روحیه رفاه‌طلبی و دنیاگرایی که برخی از خواص جامعه به آن عادت کرده و حتی در مقابل امیرمؤمنان علی(ع) نیز موضع‌گیری کرده بودند؛ خواص دنیاطلب و متظاهری همچون ابن سعد که در از مومن سخت‌گیرنش حکومت ری و کشتن فرزند پیامبر(ص)، دنیا را بر گزیده و روسیاه تاریخ شدند.

تا پای جان است، چراکه اگر توفیق و پیروزی دنیوی نیز کسب نشود اما خون حق جویان در نهایت می‌تواند آن فرقه و طایفه خبیث را ریشه کن کند چنانکه خون جوشان کربلاییان در نهایت بساط ظلم طواغیت و معاندین را برچید. هر گونه نرشم و اهمال در برابر این گروه تأثیری بر آنها نمی‌گذارد، چراکه این گروه مصداق آیه شریفه هستند که می‌فرماید: «ختم‌الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه»

در حال حاضر نیز دشمنان اصلی نظام اسلامی، مستکبران معاند و طواغیت کینه‌توزی هستند که نوک پیکان آنها نابود کردن ایمان ملت‌ها و از بین بردن امید نسل جوان است؛ بدین جهت خط مقاومت در کشورهای اسلامی و بیداری ملت‌های آزاده را برنمی‌تابند و در عرصه‌های مختلف نظامی، فرهنگی، اقتصادی و... سعی دارند به آنها ضربه وارد کنند.

شخصیت شمر؛ شخصیتی است استحاله شده که راه‌های هدایت را بر خود بسته است، هر چند حضرت اباعبدالله (ع) حتی تا لحظه آخر بر دشمن و قاتل خود مسیر هدایت را نمی‌بندد و در واپسین نبرد عاشورا امام می‌کوشد تا با منصرف کردن او از پیکار، از شقاوت ابدی او و خصوصاً همراهانش که به تاسی از او آتش را بر خود مباح می‌کنند، جلوگیری کند. اما اینچنین دشمنی بر عداوت خود مصمم است و اصلاً همین دشمن است که فرمانده لشکر یزیدیان یعنی عمر سعید را که شخصیتی متزلزل است برای نبرد جرئت داده است، لذا نوع برخورد حضرت با چنین دشمنی، مبارزه همراه با اتمام حجت است و نه همراه با نرمش و استدعا.

مشابه چنین برخوردی در انقلاب اسلامی در مواجهه امام با طاغوت زمان خود یعنی محمدرضا پهلوی قابل مشاهده است. امام خمینی ضمن اینکه می‌دانسد محمدرضا چنان‌بسه تاراج ملت و ستم‌پیشگی مشغول شده و کمر به قتل ضحاک‌وار جوانان وطن و نیز تن‌دادگی به استکبار بر خاسته است که مسیر هدایت را بر خود دشوار نموده است اما تا آخرین لحظه شاه را نصیحت می‌کند که از بردگی استعمار دست بردارد و اینگونه با کسی اتمام حجت می‌نماید.

■

عاملان استکبار

اسما در خصوص دشمن اصلی یعنی یزید و کارگزاران ظلم جهانی در زمان حضور امام عادل برخلاف گروه‌های قبل که سیاست اباعبدالله تا حدمکنک عدم مواجهه مستقیم بود اما مقابل استکبار تجویز به قیام و جهاد می‌نماید. حتی اگر اساساً امام با لشکر عمر سعید به جهاد بر می‌خیزد



علت اصلی آن نه خود شخصیت‌های دون پایه‌ای چون عمر سعید و شمر بلکه عملگی جاکمان مستکبر و ظالمی چون یزید فاسق و ابن زیاد است که به پا دارند فتنه و انحراف اصلی در جهان اسلام هستند. مسیر مقابله با ایشان نه مذاکره و گفت‌وگو که مقاومت و ایستادگی آزاده مبتنی بر ارزش‌های الهی و دینی است. مسیری که از پیامبر خاتم تا موعود عالم بر اساس آن حرکت می‌کنند و یک نظام مبتنی بر دین مبین همانند جمهوری اسلامی نیز باید در این مسیر قدم بردارد.

■

جمع‌بندی

جنگ حق و باطل و نزاع اسلام حسینی(ع) و اموی، قدمتی به درازای تاریخ اسلام دارد و منشأ این نزاع بر سر اعتلای کلمه «کلمه‌الله‌هی می‌فرماید: «جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست، جنگ ما جنگ حق و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و زدالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.» (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۴)

بنابراین نوع برخورد امام حسین(ع) با مخالفان و دشمنان در چهار دسته جاهل، دنیاطلب، معاند و مستکبر، شاخصی برای شناخت جریان‌های اجتماعی و معیاری برای جریان حق در برابر جبهه باطل است؛ همانگونه که ایشان با بصیرت‌افزایی دوستان، نیک‌اندیشی برای خواص و آینده‌نگری نسبت به سرنوشت اسلام، نقشه‌ها و فتنه‌های دشمنان را تا قیامت آشکار ساختند. در مجموع عملکرد سیدالشهدا(ع) برای شیعیان و محبان مکتب عاشورا، درس عزت و ایستادگی در برابر ظلمان زمان است، تا از اصول و خطوط قرمز اسلام در برابر مستکبران کوتاه نیایند، همانگونه که خداوند نیز در آیه ۵۵ سوره نور، وعده پیروزی نهایی حق بر باطل را می‌دهد، آنچنان که هیچ‌شانه‌ای از باطل باقی نماند.

■ **طلبه سطح ۳ حوزه علمیه دانشجوی کارشناسی ارشداندیشه‌سیاسی**

دانشجوی کارشناسی ارشداندیشه‌سیاسی

دانشجوی کارشناسی ارشداندیشه‌سیاسی

دانشجوی کارشناسی ارشداندیشه‌سیاسی

دانشجوی کارشناسی ارشداندیشه‌سیاسی

دانشجوی کارشناسی ارشداندیشه‌سیاسی

دانشجوی کارشناسی ارشداندیشه‌سیاسی